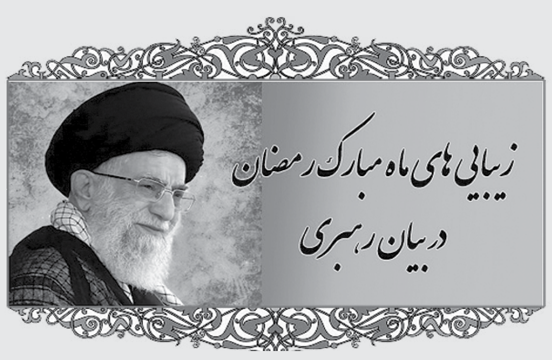

رمضـــان
فرصت بازشدن دریچه‌های رحمت الهی

روح معنویّت و دلدادگی به ارتباط با ذات مقدّس احدیت در مردم ما نهادینه است، عمیق است، ریشه‌دار است. بعضی ممکن است دچار اشتباهاتی بشوند، در زندگی فردی خودشان خطاهائی بکنند، امّا ماه رمضان این فرصت را به آنها می‌دهد که به سوی خدای متعال برگردند، توجّه کنند، متذکّر شوند و انابه کنند. در همه انسان‌ها این روح ارتباط با معنویّت هست؛ با زبان شاعرانه این را بیان می‌کنند:

خاک دل آن روز که می‌بیختند
شبنمی از عشق در او ریختند (شیخ بهائی)

این عشق، عشق مادی نیست، عشق هوس‌آلود نیست؛ این، عشق به خداست؛ این، عشق به ذات احدیت است؛ این، عشق به اصل وجود است که در همه انسان‌ها هست، نهادینه است؛ عوامل مادی، انگیزه‌های مادی، جاذبه‌های مادی، مانند خار و خاشاکی، زباله‌ای بر روی این گوهر اندوده می‌شود، وقتی ماه رمضان می‌آید، گویا نسیمی است که این زوائد را برطرف می کند، آن گوهر، خود را نشان می‌دهد و توجّه به خدای متعال جان می‌گیرد.

دل چو به آن قطره غم‌اندود شد
بود کبابی که نمک‌سود شد
دیده عاشق که دهد اشک ناب
هست همان خون که چکد از کباب (شیخ بهائی)

این اشک‌هایی که از چشم‌ها جاری می‌شود، در حقیقت از دل بیدار و پاک است که بیرون می‌آید و می‌جوشد. مردم عزیز ما این را باید قدر بدانند. ذخیره‌ای به دست آوردید، محصولی اندوختید در این ماه مبارک، آن را حفظ کنید؛ با قرآن انس پیدا کردید. این را حفظ کنید؛ این انس را حفظ کنید. این نماز جماعت اول وقت را، نماز در مسجد را، نمازِ با حال و حضور را برای خودتان در طول دوران سال نگه دارید و تا آنجایی که ممکن است، نگذارید این عوامل مادی، این خار و خاشاک، این خاکسترهای مادی روی این گوهر بنشیند. ملتی که این خصوصیات را در خود حفظ کند و این عروج معنوی و تکامل معنوی را در خود نگه دارد، این ملّت در همه میدان‌ها - در میدان مادی، در میدان معنوی، در عزّت، در اقتدار، در ایجاد همه سرمایه‌های ملی - موفق خواهد شد.

* **بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر – ۱۳۸۹/۶/۱۹**

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

حکم نماز و روزه در سفرهای تبلیغی

س) اگر یکی از طلاب علوم دینی قصد داشته باشد تبلیغ را شغل خود قرار دهد، آیا می‌تواند در سفر، نماز خود را تمام بخواند و روزه هم بگیرد؟ اگر شخصی برای کاری غیر از تبلیغ و ارشاد یا امر به معروف و نهی از منکر مسافرت کند، نماز و روزه‌اش چه حکمی دارد؟

ج) اگر عرفاً تبلیغ و ارشاد یا امر به معروف و نهی از منکر شغل و کار او محسوب شود، در سفر برای انجام آن کارها حکم مسافری را دارد که به خاطر شغل و کارش سفر می کند و اگر زمانی برای کاری غیر از ارشاد و تبلیغ مسافرت کرد، در آن سفر مانند سایر مسافران، نمازش شکسته است و روزه او صحیح نیست.

روزه نگرفتن به خاطر مشکلات کاری

س) اینجانب کارگر هستم و می‌توانم روزه بگیرم؛ ولی کار کردن در ماه رمضان و روزه گرفتن برایم بسیار مشکل است؛ به طوری که کارم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به اخراجم منجر می‌شود و دچار مشکل می‌شوم. لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

ج) روزه حتی در فرض سؤال واجب است؛ منتهی هرگاه ادامه روزه مشقت بسیار زیاد داشت، می‌توانید روزه را افطار کنید و پس از ماه رمضان قضای آن را بگیرید.

روزه فرد دارای آلزایمر

س) مردی که بیماری آلزایمر داشته و اکنون فوت شده است، آیا نماز و روزه بر او واجب بوده است؟ وظیفه ما در این باره چیست؟

ج) اگر به حدی رسیده که امر به انجام وظیفه در مورد او معقول نباشد (مثل اینکه نسبت به نماز قادر به تشخیص اوقات نماز نباشد و نسبت به روزه هم فرقی بین حالت روزه و غیر روزه نگذارد)، مکلف به نماز و روزه و قضای آنها نبوده و فرزندان از جمله فرزند بزرگ نیز تکلیف ندارد.

جهل به حکم گرفتن روزه

س) اگر به خاطر جهل در مسئله روزه که نمی‌دانستم وقتی به سن تکلیف برسم باید روزه بگیرم، نظر حضرت آقا در مورد کفاره روزه عمد چیست؟ آیا احتیاط واجب است که کفاره پرداخت شود یا فتوی؟

ج) اگر مکلف نسبت به حکم گرفتن روزه واقعا جاهل باشد، فقط قضای روزه بر او واجب است و کفاره عمد ندارد.

روزه مستحبی گرفتن میهمان بدون اذن میزبان

س) اگر میزبان به میهمان اجازه روزه مستحبی ندهد و میهمان دوست داشته باشد در آن روز روزه بگیرد، اگر به خاطر عدم اذن میزبان روزه نگیرد، آیا ثواب روزه آن روز را می‌برد؟

ج) روزه مستحبی گرفتن میهمان بدون اذن یا با نهی میزبان مکروه است و در صورتی که میهمان روزه بگیرد و میزبانِ او را دعوت به غذا کند، قبول دعوت مؤمن در حال روزه مستحبّی، شرعاً امری پسندیده است و خوردن غذا به دعوت مؤمن هر چند روزه را باطل می‌کند ولی او را از اجر و ثواب روزه محروم نمی‌کند.

روزه‌های واجب

س) روزه‌های واجب چه روزه‌هایی هستند؟

ج) روزه‌های واجب عبارتند از:
۱. روزه ماه مبارک رمضان؛
۲. روزه قضا؛
۳. روزه کفاره؛
۴. روزه روز سوم اعتکاف؛
۵. روزه بدل از قربانی در حج تمتّع؛
۶. روزه مستحبی که به واسطه نذر و عهد و قسم واجب شده است؛
۷. روزه قضای پدر و بنابر احتیاط واجب مادر که بر پسر بزرگ واجب است.

«عفو» و «صَفح» در سیره رسول خدا(ص)

انَس بن مالک که در خانه رسول خدا(صلی الله علیه و آله) خدمت می‌کرد، می‌گوید رسول اکرم(ص) در بسیاری از اوقات روزه می‌گرفتند و بعد هم غذای بسیار ساده‌ای، چه هنگام سحر و چه افطار می‌خوردند و معمولاً افطاری ایشان یک مقدار شیر بود که من تهیه می‌کردم. یک شب که ایشان با عده‌ای از صحابه بودند خیلی دیر به منزل آمدند، آن‌قدر دیر که من خیال کردم ایشان در منزل یکی از اصحاب افطار کرده‌اند. من هم شیر را خودم خوردم وبعد هم رفتم و خوابیدم. وقتی که رسول اکرم(ص) آمدند حس کردم که ایشان هنوز افطار نکرده‌اند (ظاهراً انس بن مالک از کسی پرسید که آیا رسول اکرم امشب جایی مهمان بودند و او گفت نه). هیچ چیز دیگری هم در دسترس نبود. رفتم و خودم را مخفی کردم. ایشان وقتی دیدند چیزی موجود نیست رفتند و خوابیدند. انس که خود قصه را بازگو کرده است و نه رسول اکرم، می‌گوید: رسول اکرم(ص) تا زنده بودند چیزی در این مورد به روی من نیاوردند.

این را می‌گویند صفح. قرآن می‌فرماید عفو کنید و صفح کنید. صفح با عفو تفاوت دارد. وقتی کسی کار خطایی می‌کند هم استحقاق معاقبه و مجازات دارد و هم استحقاق ملامت. عفو، گذشت از مجازات است ولی صفح یک درجه بالاتر است. صفح این است که انسان نه تنها آن مجازات معمول را انجام نمی‌دهد بلکه اصلاً نامش را هم نمی‌برد، به روی طرف هم نمی‌آورد، اسمش را هم نمی‌برد و لهذا اولیاءالله همیشه مقامی بالاتر از عفو دارند یعنی عفو آنها به‌صورت صفح است.

* **استاد مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۷، ص ۲۰۴**

سجده
اوج عشق‌بازی با خدا

سیدعباس معتمدی

> **سجده در همه احوال امری ارزشی است، اما در برخی از زمان‌ها و احوال از ارزش بیشتری برخوردار است. از همین‌رو قرآن سجده در شبانگاهان و تهجد شبانه به همراه تلاوت آیات الهی را بسیار ارزشی می‌داند به طوری که این اعمال و اقامه نماز شب و امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در امور خیر را عامل دستیابی به مقام «صالحان» بر می‌شمارد.**

سجده در اصل خم‌شدن همراه با تذلل و فروتنی است که به دو شکل اختیاری و تسخیری اکراهی انجام می‌شود. بر اساس آموزه‌های قرآن، همه هستی همان‌گونه که اهل تسبیح و تقدیس نسبت به آفریدگار و پروردگار یگانه هستند، اهل سجده هم هستند؛ زیرا همه هستی با تمام وجود فقری خویش در برابر خدا تذلل و خضوع و خشوع دارند و اگر انسان و جن به ظاهر و به اراده اختیاری خویش سجده نمی‌کنند، ولی ذات و هویت فقری آنان در برابر خدا ساجد است.

البته انسان و جن زمانی از آثار تقربی سجده بهره‌مند می‌شوند که به اراده اختیاری و حق انتخاب آزاد خویش در برابر خدا سجده کنند و این‌گونه اوج تذلل خویش را به نمایش گذارند.

همچنین هرچند که سجده غیر انسان به اشکال گوناگونی تحقق می‌یابد، اما سجده انسان با قراردادن پیشانی بر خاک زمین تحقق می‌یابد.(المصباح، ج ۱- ۲، ص ۲۶۶، «سجد»)

اهمیت و آثار سجده

بی‌گمان انسان همواره دنبال فهم آثار افعال و اعمال خویش یا دیگران است؛ زیرا فهم آثار موجب می‌شود تا به چیزی گرایش یا از آن‌گریزش داشته باشد. از همین‌رو اندیشه، بستر انگیزه و علم بستر عمل است خواه به شکل فعل یا ترک فعل باشد.

بر همین اساس آموزه‌های قرآنی به مسئله آثار و کارکردها اهتمام بسیاری دارد و برای بیان اهمیت هرچیزی به آثار آن توجه می‌دهد.

در اهمیت و ارزش سجده همین‌بس که موجب تقرب انسان به خدا است. بنابراین هر کسی دوست دارد تا به مقام مقربان برسد که عالی‌ترین مقام در میان مقامات الهی است (واقعه، آیات ۸ تا ۱۰ و ۸۹ و ۹۰)، می‌بایست به سجده توجه بسیاری نشان دهد؛ زیرا انسان از طریق سجده است که می‌تواند نهایت خاکساری و فروتنی خویش را به نمایش گذارد و این‌گونه مورد عنایت خاص خداوندی قرار گیرد و به مقام مقربان دست یابد. هرچه سجده انسان مبتنی بر شرایط خاص خودش همچون اخلاص و مانند آن باشد، تقرب بیشتر و شدیدتری حاصل می‌شود تا جایی که انسان را به تمامیت تقرب مقربان می‌رساند. از همین‌رو خدا به پیامبرش فرمان می‌دهد: وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ؛ سجده کن و تقرب بجوا (علق، آیه ۱۹؛ مجمع البیان، ج ۹- ۱۰، ص ۷۸۳؛ الکشاف، ج ۴، ص ۷۷۹)

> **در اهمیت و ارزش سجده همین‌بس که موجب تقرب انسان به خدا است. بنابراین هر کسی دوست دارد تا به مقام مقربان برسد که عالی‌ترین مقام در میان مقامات الهی است، می‌بایست به سجده توجه بسیاری نشان دهد؛ زیرا انسان از طریق سجده است که می‌تواند نهایت خاکساری و فروتنی خویش را به نمایش گذارد و این‌گونه مورد عنایت خاص خداوندی قرار گیرد و به مقام مقربان دست یابد.**

ایمان حقیقی با سجده ارتباط تنگاتنگی دارد؛ زیرا هرکه می‌خواهد ایمان به آیات الهی را در زندگی خویش نشان دهد، لازم است تا بهنگام ذکر آیات الهی به خاک در سجده افتد و تسبیح و تحمید پروردگار گوید. (سجده، آیه ۱۵)

همچنین از این آیه فهمیده می‌شود که این امور بیانگر آن است که شخص سجده‌کننده هیچ استکباری ندارد، بلکه در ذات خویش به دور از تکبر بوده و تذلل و خضوع و خشوع دارد.

سجده‌کننده با سجده خویش خواه اختیاری یا غیر اختیاری، در مقام کرامت قرار گرفته و به عنوان «مکرم» مورد عنایت خدا است (حج، آیه ۱۸)؛ زیرا کسی که اهل سجده نیست، از کرامت محروم می‌شود و اهانت و خواری بر او غلبه می‌کند؛ بنابراین، انسانی که خدا او را تکریم کرده و در مقام بلند و والای خلافت قرار داده است (اسراء، آیه ۷۰؛ بقره، آیات ۳۰ و ۳۱)، اگر بخواهد این کرامت ذاتی را حفظ کند و بر شدت آن بیفزاید باید به سجده اهتمام ورزد تا در جایگاه بلند «مکرمین» قرار گیرد. (حج، آیه ۱۸)

برخورداری از مغفرت الهی با بهره‌گیری از سجده و انابه به سوی خدا با بریدن از غیر، دست‌یافتنی است؛ چنان‌که حضرت داود(ع) با چنین شیوه‌ای از مغفرت الهی بهره گرفت (ص، آیات ۲۴ و ۲۵)؛ آن حضرت پس از فهم افتادن در کوره ابتلای الهی، با استغفار و رکوع و سجده نه‌تنها از مغفرت الهی برخوردار شد، بلکه به بهترین حالت تقرب دست یافت که از آن به «زلفی» یاد می‌شود و از مقام «حسن مآب» (نیکوترین بازگشت نگاه به نزد پروردگارش) برخوردار شد.(همان) واژه «خرّ» در آیه: خَرّ رَاکِعًا وَأَنَابَ، به معنای فروافتادن در خاک است که این عمل با رکوع و سجود همراه شد. البته رکوع و سجودی که همراه با انابه و بریدن از غیر خدا و تضرع و زاری بود تا خدا از ایشان بگذرد و تحت مغفرت قرار دهد تا از آثار خطا در امان بماند. بنابراین، «خرّ راکعا» دلالت بر سجده همراه با رکوع تمام و خم‌شدن و افتادن در خاک دارد و تنها رکوع ساده نیست. (مجمع البیان، ج ۷- ۸، ص ۷۳۵؛ الکشاف، ج ۴، ص ۸۸)

سجده در همه احوال امری ارزشی است، اما در برخی از زمان‌ها و احوال از ارزش بیشتری برخوردار است. از همین‌رو قرآن سجده در شبانگاهان و تهجد شبانه به همراه تلاوت آیات الهی را بسیار ارزشی می‌داند به طوری که این اعمال و اقامه نماز شب و امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در امور خیر را عامل دستیابی به مقام «صالحان» برمی‌شمارد. (آل‌عمران، آیات ۱۱۳ و ۱۱۴)

برخورداری از فضل خاص الهی در گرو سجده است (فتح، آیه ۲۹)، و هر که بخواهد به مقام عظیم «رضوان» برسد و از بهشت رضوان نیز برخوردار شود، باید به این امر توجه ویژه داشته باشد (همان)؛ زیرا سجده برای انسان مؤمن شرایطی را فراهم می‌آورد که به تمامیت رشد و بلوغ خویش می‌رسد و می‌تواند کمال و انوار آن را برای خویش تحقق بخشد تا جایی که سیمای ساجدان چنان درخشان است که همگان حتی کفار آن را می‌بینند و از چنین نورانیتی به خشم می‌آیند.

سجده در میان مناسک عبادی در جایگاه بس والا و ارزشمندی قرار دارد تا جایی که عامل برتری مؤمنان بر دیگران (زمر، آیه ۹؛ آل‌عمران، آیات ۱۱۳ تا ۱۵) بوده و انسان را به مقام عظیم «متقین» می‌رساند (همان) که خود معیار برتری انسان و میزان برخورداری از کرامت در پیشگاه خدا است. (حجرات، آیه ۱۳) البته چنان‌که گفته شد سجده به‌ویژه در شبانگاهان و نماز شب بسیار اهمیت دارد (زمر، آیه ۱۹؛ آل‌عمران، آیات ۱۱۳ تا ۱۱۵) به حدی که دستیابی به مقام «محمود» که همگان آن را ستایش کنند و نسبت به آن غبطه داشته باشند، در گرو نماز شب و سجده‌های آن است.

سجده به‌ویژه در نماز شب و تلاوت آیات قرآن از مصادیق «خیر» مطلق است که آثار آن در همه ابعاد زندگی، خودش را نشان می‌دهد و ساجدان در نماز شب و تهجد شبانه همان اهل سرعت در خیرات هستند. (همان) بنابراین، از نظر قرآن، هرکسی بخواهد کار خیری داشته باشد و در آن سرعت و شتاب ورزد، به امر سجده برای خدا اهتمام کند؛ زیرا سجده از کارهای خیر مطلق است. (همان) همچنین سجده از مناسک عبادی و نمایشی تمام از عبودیت و عبادت است، از همین‌رو همه هستی به سجده می‌پردازند تا عبودیت و اطاعت از خدا را به نمایش گذارند.(فصلت، آیه ۳۷؛ نجم، آیه ۶۲)

ارزش و اهمیت سجده در ساختار نظام دین و سنت‌های الهی چنان زیاد است که اصولا کسی نمی‌تواند آثار و پاداش‌هایی که بر آن مترتب می‌شود را بفهمد؛ زیرا خدا برای ساجدان چیزهایی را فراهم آورده که چشم روشنی انسان است و قابل درک برای او در دنیا نیست؛ این پاداش‌های عظیم بر او مخفی است تا به بهشت رضوان الهی برسد. (سجده، آیات ۱۵ تا ۱۷) بنابراین، کسی را نرسد تا ارزش پاداشی سجده و آثار آن را درک کند. (همان) این درک تمام در قیامت آشکار می‌شود. (همان)

شرایط و احکام سجده

سجده زمانی آثار خود را آشکار می‌کند که شرایط آن به درستی شناخته و بدان عمل شود. از نظر قرآن، مهم‌ترین شرط در تحقق سجده افتادن به خاک در مقام تواضع و تذلل است که با قرارگرفتن پیشانی بر خاک زمین تحقق می‌یابد.(مریم، آیه ۵۸؛ اسراء، آیات ۱۰۷ تا ۱۰۹) شکی نیست که اخلاص از مهم‌ترین اصول برای تحقق عبادت است؛ چراکه بدون اخلاص و عمل خالصانه برای خدا، هیچ عبادتی تحقق نمی‌یابد. پس همان‌گونه که فرشتگان (اعراف، آیه ۲۰۶) و عبادالرحمن (فرقان، آیات ۶۳ و ۶۴) دارای سجده‌های خالصانه هستند، مؤمنان نیز باید این‌گونه عبادت کنند تا ارزش یابد وگرنه بی‌ارزش خواهد بود.

هر چند که از نظر زمانی همه اوقات برای سجده از شامگاه و بامداد و عصر مناسب است (رعد، آیه ۱۵)، ولی شامگاهان و در طول شب بسیار اهمیت دارد (آل‌عمران، آیه ۱۱۳؛ فرقان، آیه ۶۴؛ زمر، آیه ۹؛ انسان، آیه ۲۶) که از آن به «مطیه اللیل» تعبیر می‌شود که همانند مرکب رهواری انسان را به سوی مقصود در مقصد می‌برد.

مکان سجده باید پاک و طاهر باشد و برای این عمل عبادی تطهیر شود. بنابراین، مساجد که برای این منظور ساخته شده، از اهمیت و ارزشی بالایی برخوردار است. (جن، آیه ۱۸) در میان مساجد نیز برترین مسجد همان مسجدالحرام است که بدین منظور به دست ابراهیم(ع) و اسماعیل(ع) ساخته شده است. (بقره، آیه ۱۲۵؛ حج، آیه ۲۶)

امیرالمؤمنین علیه‌السلام
اگر نمازگزار بداند که چه هاله ای از جلال خدا او را فرو می پوشاند، هرگز دوست ندارد که سر خود را از سجده اش بردارد
میزان الحکمه
جلد۶ صفحه۲۸۵

سجده با گریه و انابه و تضرع باشد بهتر است.(اسراء، آیات ۱۰۷ تا ۱۰۹؛ مریم، آیه ۵۸) البته در سجده بهتر است که چانه بر خاک باشد تا خشوع و خضوع تمامی به نمایش گذاشته شود.(اسراء، آیات ۱۰۷ تا ۱۰۹)

همچنین بهتر است که همراه با تلاوت قرآن و به‌ویژه ذکر «تسبیح» به همراه «حمد» پروردگار باشد که بهترین ذکر آن «سبحان ربی الاعلی و بحمده» است؛ زیرا روایت است وقتی آیه «سبح باسم ربک الاعلی (اعلی، آیه ۱) نازل شد، رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمود: آن را در سجده‌های خود قرار دهید. (تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۵۴، ح ۱۳؛ الدرالمنثور، ج ۸، ص ۴۸۱)

بنابراین مستحب است تا در ذکر سجده، تسبیح و تحمید قرار داده شود (اسراء، آیات ۱۰۷ تا ۱۰۹؛ سجده، آیه ۱۵) که بهترین آن این تسبیح و تحمید است. همچنین بهتر است که سجده سریع انجام نشود بلکه سجده‌های طولانی مستحب و تاثیرگذار است.

از همین‌رو در وصف سجده‌ها آمده که «تراهم» می‌بینی که آنان دائم در سجده هستند. (فتح، آیه ۲۹)

سجده تنها برای خدا است، اما به اذن و فرمان الهی سجده برای غیرخدا جایز بلکه گاه واجب می‌شود؛ همان‌طور که سجده بر آدم(ع) بر جن و فرشتگان واجب شد و تمرد از آن به عنوان عصیان از حکم الهی تلقی و موجب لعن و طرد گشت. (حجر، آیه ۲۹؛ اسراء، آیه ۶۱؛ ص، آیه ۷۲؛ طه، آیه ۱۱۶) البته در روایتی از امام رضا(ع) سجده ملائکه بر آدم(ع)، مصداق سجده تکریم بوده است. (تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۸، ح ۱۰۱) باید توجه داشت که سجده بر خاک یا به سوی کعبه به معنای سجده برای خدا است؛ زیرا این امر به فرمان الهی برای تحقق مفهوم ظاهری سجده انجام می‌شود و با آن تذلل و خضوع و خشوع انسان برای خدا به نمایش در می‌آید.

به هر حال، از نگاه قرآن، جز موارد استثنایی، سجده برای غیرخدا جایز نیست، بلکه حرام است؛ از همین‌رو سجده برای خورشید و ماه (فصلت، آیه ۳۷)، بتان (نساء، آیه ۵۱) و مانند آنها جایز نیست و حرام است.

در روایت است که برخی از اهل‌کتاب به سبب عناد با پیامبر(ص) حتی حاضر به سجده بر بتان شده‌اند. در شأن نزول آیه ۵۱ سوره نساء ذکر شده که «کعب بن اشرف» به اتّفاق گروهی از یهود وارد مکّه شدند تا با مشرکان علیه پیامبر(ص) متّحد شوند. یکی از اهل مکّه به کعب گفت: شرط هم‌پیمانی با شما سجده‌کردن در مقابل این دو بت یعنی جبت و طاغوت است. او پذیرفت و سجده کرد. (مجمع البیان، ج ۳- ۴، ص ۹۲؛ روح المعانی، ج ۴، جزء ۵، ص ۸۲)

همچنین از نظر قرآن، لازم است تا انسان در برابر شنیدن یا خواندن برخی از آیات قرآن سجده کند. (انشقاق، آیه ۲۱؛ مریم، آیه ۵۸؛ اسراء، آیات ۱۰۷ تا ۱۰۹)

انسان لازم است در برابر نعمت‌های الهی شکرگزار باشد که یکی از اشکال شکرگزاری عملی، سجده شکر است (بقره، آیه ۵۸؛ اعراف، آیه ۱۶۱) که می‌تواند به‌طور جداگانه یا در قالب نماز شکر انجام شود.

سجده در نماز (بقره، آیه ۱۲۵؛ آل‌عمران، آیه ۴۳) در کنار قیام و نیت و تکبیره‌الاحرام و رکوع و سجده (قنترس) جزو ارکان اصلی نماز است و بدون آن نماز تحقق نمی‌یابد.

کسانی که در دنیا سجده نداشته باشند، در قیامت با آنکه از نظر اعضا و جوارح سالم هستند نمی‌توانند سجده کنند؛ چراکه سجده در دنیا برایشان ملکه نشده است تا در قیامت به نمایش بگذارند. (قلم، آیات ۴۱ و ۴۲)

پس لازم است انسان در دنیا تجربه سجده برای خدا را داشته باشد و آن را ملکه و مقوم ذات خویش کند تا در قیامت سجده داشته باشد.

عوامل و موانع سجده

کسانی گرایش به سجده در برابر خدا دارند که دارای: ایمان (اعراف، آیات ۱۲۰ تا ۱۲۲)، خوف از خدا (نحل، آیات ۴۹ و ۵۰)، توجه به خالقیت خدا (فصلت، آیه ۳۷)، ربوبیت و پروردگاری خدا (اعراف، آیات ۱۲۰ تا ۱۲۲)، علم خدا به احوال بندگان (اسراء، آیه ۱۰۷)، معجزات الهی (اعراف، آیات ۱۱۷ و ۱۲۰)، متذکر به آیات الهی (سجده، آیه ۱۵)، اهل تلاوت قرآن (مریم، آیه ۵۸؛ انشقاق، آیه ۲۱)، تواضع و فروتنی (نحل، آیات ۴۹ و ۵۰) و مانند آنها باشد.

همچنین موانع مهم در انجام سجده شکر شامل اموری چون: کفر (بقره، آیه ۳۴؛ ص، آیات ۷۲ تا ۷۴)، تکبر باطنی و استکبار ظاهری (اعراف، آیات ۱۱ تا ۱۳؛ بقره، آیه ۳۴؛ ص، آیات ۷۵ و ۷۶)، ظلم (بقره، آیات ۵۸ و ۵۹؛ اعراف، آیات ۱۶۱ و ۱۶۲)، شیطنت شیطان (نمل، آیات ۲۴ و ۲۵) و مانند آنها می‌باشد. بنابراین، لازم است اگر در خود گرفتار چنین اموری هستیم که می‌تواند مانع در سر راه عبادت و سجده باشد، می‌بایست با خودسازی و اصلاح به صراط مستقیم الهی بازگشته و همانند همه هستی بدون اکراه و اجبار در برابر خدا کرنش داشته و به سجده بپردازیم تا به جایگاه خلافت الهی خویش در هستی با تقرب به خدا و خدایی‌شدن برسیم.

> **باید توجه داشت که سجده بر خاک یا به سوی کعبه به معنای سجده برای خدا است؛ زیرا این امر به فرمان الهی برای تحقق مفهوم ظاهری سجده انجام می‌شود و با آن تذلل و خضوع و خشوع انسان برای خدا به نمایش در می‌آید.**

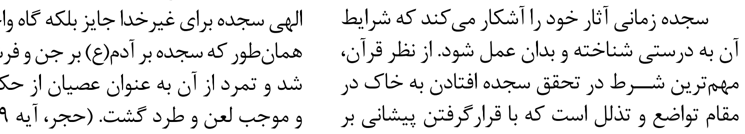

غذاخوردن نزد صاحبان عزا

> **حضرت صادق(ع) می‌فرماید: «غذاخوردن نزد مصیبت‌دیدگان از رفتار و کردار زمان جاهلیت است و سنت اسلامی آن است که غذای آنان نیز از سوی دیگران فراهم شود، همان‌گونه که پیامبر(ص) در مورد جعفر بن ابی‌طالب، چنین رفتاری را در پیش گرفت.»**

شبهه: آیا در تعالیم دینی آمده است، زمانی که شخصی فوت کرد، خانواده آن شخص تا چند روز، کسانی که به مجلس ختم می‌آیند را طعام دهند؟ که امروزی‌ها به آن مرده‌خوری می‌گویند! اینکه مصیبت‌دیدگان در مراسم ترحیم، با نهار، شام، میوه‌جات و... به پذیرایی از شرکت‌کنندگان می‌پردازند، آیا ریشه در آموزه‌های دینی دارد؟!

پاسخ: آنچه در آموزه‌های دینی توصیه شده آن است که نباید به خانواده مصیبت‌دیده این اجازه را داد که برای پذیرایی از آنها دچار تکلف و دردسر شوند، بلکه اطرافیان باید تلاش کنند که در این مدت، چنین خانواده‌ای حتی دغدغه خورد و خوراک خویش را نیز نداشته باشند! امام صادق(ع) ماجرائی تاریخی را نقل کرده و چنین می‌فرماید: «هنگامی که جعفر بن ابی‌طالب به شهادت رسید، پیامبر(ص) به دخترش فاطمه(س) توصیه فرمود که به مدت سه روز، غذای خانواده او را فراهم کرده و (برای کمک) در کنارشان باشد. از آن پس بود که سنت اسلامی بر این قرار گرفت که دیگران، برای صاحبان عزا، سه روز غذا فراهم کنند.»(۱) حضرت صادق(ع) در جای دیگری می‌فرماید: «غذاخوردن نزد مصیبت‌دیدگان از رفتار و کردار زمان جاهلیت است و سنت اسلامی آن است که غذای آنان نیز از سوی دیگران فراهم شود، همان‌گونه که پیامبر(ص) در مورد جعفر بن ابی‌طالب، چنین رفتاری را در پیش گرفت.»(۲)

بنابراین، آنچه امروزه در جامعه ما اتفاق می‌افتد با سنت‌های اسلامی هم‌خوانی نداشته و همگان باید تلاش‌کنند تا با فرهنگ‌سازی، این رفتار رایج را از میان بردارند. در همین راستا، صاحبان عزا باید در پذیرایی به حداقل‌ها کفایت کرده و دیگران نیز با آنکه به سنت اسلامی شرکت در مراسم ترحیم و تسلیت به خانواده آنان، عمل می‌کنند، اما تا آنجا که امکان دارد و موجب ناراحتی مصیبت‌دیدگان نمی‌شود، به هر بهانه‌ای از صرف غذا نزد آنان- و یا به هزینه آنان- خودداری کرده و از آنچه در برخی تعابیر سطحی از آن به «مرده‌خوری» تعبیر می‌شود، پرهیز کنند. با این وجود و بعد از اتمام مراسم‌ها، اگر بازماندگان بخواهند- نه به عنوان انجام رسومات، بلکه به صورت کاملاً اتفاقی- به نیت متوفی غذایی تهیه کرده و با اطعام مردم، پاداش آن را نثارش کنند، عمل شایسته تقدیری را انجام داده‌اند. البته در همین مورد نیز باید توجه شود که نباید به شیوه‌ای عمل کرد که چنین اطعامی به صورت عرفی تخلف‌ناپذیر درآمده و اقشار کم‌درآمد برای انجام چنین عرفی تحت فشار قرار گیرند.

---

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۱۷، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.

از: اسلام کوئیست

استخفاف روزه و اعمال عبادی

بعضی روزه را به شکلی می‌گیرند(حالا این شوخی است) که- العیاذ بالله- اگر من به جای خدا بودم اصلا روزه این‌ها را قبول نمی‌کردم.

من افرادی را سراغ دارم که این‌ها در ماه رمضان شب تا صبح را نمی‌خوابند اما نه برای اینکه عبادت کنند، بلکه برای اینکه مدت خوابشان پر نشود؛ تا صبح هی چای می‌خورند و سیگار می‌کشند، اول طلوع صبح که شد نمازشان را می خوانند و می‌خوابند،چنان بیدار می‌شوند که نماز ظهر و عصر را با عجله بخوانند و بعد بنشینند سر سفره افطار.

آخر این چه روزه‌ای شد؟!

آدم شب تا صبح را نخوابد برای اینکه در حال روزه حتماً خواب باشد و رنج روزه را احساس نکند. آیا این استخفاف به روزه نیست؟!

به عقیده من مثل فحش دادن به روزه است، یعنی ای روزه! من این‌قدر از تو تنفر دارم که می‌خواهم رویت را نبینم! ما حج -بجا می‌آوریم- ولی به آن استخفاف می کنیم، روزه می‌گیریم و به آن استخفاف می‌کنیم،نماز می‌خوانیم و به آن استخفاف می‌کنیم، اذان می‌گوییم و به آن استخفاف می‌کنیم. حالا چطور به اذان استخفاف می‌کنیم؟... خیلی افراد صیّت(خوش‌صوت)هستند و می‌توانند خوب اذان بگویند اما اگر به آنها بگویی آقا برو یک اذان بلند بگو، نمی‌گوید. چرا؟

چون خیال می‌کنند این کسر شأنش است؛ من این‌قدر پایین هستم که مؤذّن باشم؟!

آقا! باید افتخار کنی که یک مؤذّن باشی. علی‌بن ابی‌طالب مؤذّن بود، در همان وقتی که خلیفه بود هم مؤذّن بود. این استخفاف به اذان است که یک نفر ننگش بکند که مؤذّن باشد یا مؤذّن‌بودن را بسته به شأن اشخاص بداند و بگوید: من که از اعیان و اشراف هستم، از رجال و شخصیت‌ها هستم، من دیگر چرا مؤذّن باشم؟ این‌ها همه استخفاف است.

* **مجموعه آثار استاد شهید مطهری (آزادی معنوی)**
ج ۲۳، صص: ۵۱۴-۵۱۳
با تلخیص و ویرایش

چراغ راه

لزوم پرهیز از هوسرانی در ازدواج

قال الامام الاصادق(ع): «تزوّجوا و لاتطلقوا؛ فان الله لایحب الذوّاقین و الذواقات».

امام صادق(ع) فرمود: «ازدواج کنید و طلاق ندهید؛ زیرا خداوند مردان و زنان هوسران و تنوع‌طلب در ازدواج را دوست ندارد».(۱)

۱- مکارم‌الاخلاق، ج ۱، ص ۴۳۲، ح ۱۴۷۳

حکایت خوبان

ویژگی‌های همسر شایسته

«جابر ابن عبدالله انصاری» می‌گوید: در حضور رسول‌خدا(ص) بودم، ایشان در مورد همسر شایسته (از زنان) فرمود: بهترین همسران شما کسانی هستند که دارای این خصلت‌ها (ده خصلت) باشند: ۱- آمادگی برای تولد فرزندان متعدد ۲- مهربانی و عطوفت ۳- عفت و پاکدامنی ۴- عزیز و سربلند در میان وابستگانش ۵- تواضع و فروتنی در برابر شوهر خود ۶- آراستن و خودنمایی برای شوهرش ۷- حفظ پوشش و خودنگهداری در مقابل نامحرمان ۸- اطاعت و تمکین از شوهر خود ۹- تابع شوهر بودن در امور جنسی ۱۰- در عشق و علاقه به شوهر، افراط نکردن و اعتدال را حفظ کردن.(۱)

۱- وسائل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴

پرسش و پاسخ

اشکال مختلف تفاوت زن و مرد در خانواده

پرسش:

زن و مرد به لحاظ تکوینی و خلقتی چه تفاوت‌هایی با یکدیگر در چارچوب روابط خانوادگی دارند:

پاسخ:

تاثیر شناخت تفاوت‌ها در بهبود روابط

یکی از مهم‌ترین عوامل اختلاف‌زا و تنش‌آفرین در روابط میان زن و مرد در بستر یک خانواده عدم شناخت تفاوت‌های تکوینی و موجودیتی یکدیگر است که در نتیجه آن همواره طرفین بدون رعایت حق و حقوق یکدیگر و صرفا براساس قیاس با نفس و یا برخوردهای کلیشه‌ای با یکدیگر تعامل پیدا می‌کنند و به طور طبیعی منجر به تشدید اختلافات و تنش‌ها در روابط میان آنها می‌شود. این اختلافات طبیعی و تفاوت‌ها در چند شکل و مظهر تجلی پیدا می‌کند.

اشکال مختلف تفاوت زن و مرد

۱- ادب جفت‌جویی

جنس نر و مذکر همواره حمله‌کننده و مهاجم و جنس ماده و مونث، دلبر و عقب‌نشین (ولی ظریفانه) و آتش تیزکن آفریده شده است. به بیان دیگر در طبیعت، مرد مظهر طلب و زن مظهر مطلوبیت، و مرد مظهر بلبل و زن مظهر گل آفریده شده است. مرد عاشق و زن معشوق خلق شده‌اند. بنابراین ضرورت دارد برای جلوگیری از هرگونه تنش ارتباطی، آداب جفت‌جویی در تعامل میان زن و مرد رعایت گردد و طرفین با توجه به این شاخص از هرگونه بی‌احترامی، اسائه ادب، توهین و تحقیر و غرور و منیت پرهیز کنند، و روابط خود را با شناخت تفاوت‌های تکوینی خود بهبود بخشند.

۲- حقیقت ازدواج

حقیقت ازدواج تصاحب و در اختیار گرفتن جنس ماده توسط جنس‌نر است. اصلا طبیعت این جور است. ازدواج یک شرکت سهامی نیست که دو نفر با هم آن را تأسیس کرده و هر کدام بالمناصفه سهمی را برای خود تعیین می‌کنند. این اقتضای یک اجتماع مدنی است که نوع همکاری میان افراد متفاوت است. در واقع بین نوع همکاری که میان افراد در اجتماع مدنی هست و وحدت و همکاری که در محیط خانواده حکمفرماست (روابط طبیعی) یک تفاوت بسیار فاحش وجود دارد. در اجتماع منزلی انسان مدنی بالطبع است یعنی براساس غریزه طبیعی خودش این اجتماع را تشکیل می‌دهد، در حالی که در اجتماع مدنی انسان مدنی بالاختیار است و به مقتضای عقل و فکر خودش دریافته که تامین حوائجش جز در پرتو مشارکت در اجتماع و در پرتو همکاری و همفکری با دیگران میسر نیست. یعنی در واقع وقتی مشارکتی شکل می‌گیرد هم شما و هم رفیقتان دنبال سود بیشتر در پرتو همکاری مشترک و اجتماع مدنی هستید. بنابراین اجتماع مدنی وسیله‌ای است برای رسیدن به هدف‌های دیگر. اما اجتماع خانوادگی برعکس است. یعنی یک اجتماع طبیعی و غریزی است،که خود غریزه و طبیعت، انسان را به سوی تشکیل این اجتماع می‌کشاند. در واقع این اجتماع وسیله برای چیز دیگر نیست، بلکه خودش هدف است. لذا اجتماع خانوادگی مافوق یک اجتماع مدنی و قراردادی است. از این جهت حقوق و تکالیف در اجتماع مدنی متفاوت می‌شود، و سر اینکه در اجتماع خانوادگی حکومت و سرپرستی به مرد داده شده همین است که این حکومت به یک معنای انتصابی و طبیعی است نه انتخابی و قراردادی، اما در اجتماع مدنی این مقوله قابل تسری نیست زیرا حکومت فردی بر فرد دیگر بدون انتخاب در اجتماع مدنی یک امر غیرجایز و ظالمانه شمرده می‌شود.

۳- زن خادم نوع انسان است

عواطف جنس زن نماینده نوع انسانِ است و عواطف جنس مرد نماینده خواسته‌های فرد می‌باشد. یعنی مجموعاً زن آن چیزهایی را می‌خواهد که به نفع خود و نسل آینده است بدون اینکه خودش توجه داشته باشد برای نسل آینده کار می‌کند. ولی به مرد آن جور غرایز نوعی و نسل‌پرستی داده نشده، بلکه به طور غیرمستقیم داده شده است. بنابراین زن خادم اجتماع و مرد خادم زن و کودک آفریده شده است.

۴- عواطف زن بیشتر متوجه ستایش مرد است نه شهوت

اینکه گفته می‌شود شهوت زن بیشتر از مرد است صحیح نمی‌باشد، بلکه برعکس شهوت مرد بیشتر از زن است چرا که وقتی پای یک ازدواج در میان باشد، آن مقداری که مرد دستپاچگی و عجله نشان می‌دهد و چشم و دلش کور می‌شود، زن این گونه نیست و این را تجربه هم نشان می‌دهد. به بیان دیگر زن از ناحیه درون خودش آن قدر تحت فشار نیست که مرد تحت فشار است، آنچه که زن بیشتر می‌خواهد این است که مورد ستایش مرد قرار بگیرد و همین امر او را خاضع در برابر مرد می‌کند. بنابراین در اجتماع خانوادگی مرد باید همواره زن را مورد ستایش و تمجید خود قرار دهد و از این طریق دل همسر خود را همیشه به دست آورد.

۵- زن طبعاً پناهجو و مرد حامی زن است

زن همواره دلش می‌خواهد که مردی او را در حمایت خودش قرار دهد. ریشه این پناهجویی هم شاید همان جنبه تولید نسل است چون زن به حسب غریزه طبیعی در می‌یابد که ایامی برای او پیش می‌آید که ایام بارداری و زایمان و شیردادن بچه است و در این ایام احتیاج به حمایت دارد. یعنی طبیعت وظایف سنگینی بر عهده او گذاشته است، در صورتی که مرد با یک لذت آنی وظیفه طبیعی‌اش را انجام می‌دهد و بعد می‌رود دنبال کارهای دیگر خودش که وظیفه حمایتگری است. مرد برای حمایت از زن و ناموس خودش می‌جنگد و همواره وظیفه مردانگی خودش را این می‌داند که او متصدی جنگ و پیکار و سربازی برای حمایت از زن باشد.

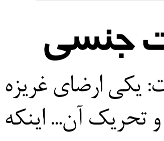

سلوک عارفانه

نفی حجاب توأم با التهابات جنسی

به عقیده ما برای آرامش غریزه دو چیز لازم است: یکی ارضای غریزه درحد حاجت طبیعی و دیگر جلوگیری از تهییج و تحریک آن... اینکه اجتماع به وسایل مختلف سمعی و بصری و لمسی موجبات هیجان غریزه را فراهم کند و آنگاه بخواهد با ارضای غریزه دیوانه‌شده را آرام کند، میسر نخواهد شد. هرگز بدین‌وسیله نمی‌توان آرامش و رضایت ایجاد کرد، بلکه بر اضطراب و تلاطم و نارضایتی غریزه با هزاران عوارض روانی و جنایات ناشی از آن افزوده می‌شود. تحریک و تهییج بی‌حساب غریزه جنسی عوارض وخیم دیگری نظیر بلوغ‌های زودرس و پیری و فرسودگی نیز دارد.(۱)

۱- مجموعه آثار استاد شهید مرتضی مطهری(ره)، (مسئله حجاب)، ج۱۹، ص۴۶۱